

# حزب توده ایران به قانون اساسی رأی مثبت می دهد

از همه مردم ایران دعوت میکنیم که در فرآیند شرکت کنند و به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رأی مثبت دهند

## اتحاد شوروی

### حمایت کامل خود را از ایران و اقدامات انقلابی ملت ایران رسماً اعلام کرد

در صفحه ۲

## پیام امام:

قشرهای ملت با هر مسلکی که دارند لازم است وحدت خود را حفظ نمایند

در صفحه ۲

## مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۰۴، شنبه ۷ آذر ۱۳۵۸ - شماره ۱۰، ریحال

متن سخنرانی رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زمین چمن دانشگاه پلی تکنیک و دانشجویان دمکرات ایران:

# همگام رهبری انقلاب،

## بسوی استقلال ملی، عدالت اجتماعی و وحدت نیروها

چهره درخشان حسین بن علی سده هاست که الهام بخش شیعیان است

صفحه ۶

شعار دهها هزار شرکت کننده در راهپیمایی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران:

# زنده باد جبهه متحد خلق ما

## علیه امپریالیسم!

راهپیمایان شعار می دادند: آمریکا، آمریکا، دشمن خونخوار ما خمینی، خمینی، رهبر هوشیار ما



جوانان و دانشجویان دمکرات ایران آمادگی خود را برای ادامه مبارزه تاپیروزی قطعی و نهایی بر امپریالیسم آمریکا اعلام داشتند

دهها هزار نفر، مشت از خروار. این راهپیمایان جویباری از آن شط پزرگند، توده ای ها. رودی عظیم، که به اقیانوس خلق می ریزد. غرش همان است، موجی عظیم از اقیانوس!

سرکوب آمریکا، مرکز امپریالیسم، در گرو نگاه کنید رفقا! پیشانی صف را بنگرید. لحظه ای سرود خشنناک خویش را واگذارید. نیاز نیست دست ها را سبیلان چشم کنید. شگفت دنیایی است. برای سرما به عبرت آموز است:

ما در امور داخلی ایران محکوم می کنیم. در آغاز مراسم، پیام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران قرائت میشود. آنگاه سیلوش کسرانی، شاعر خلقی، در میان فریاد استقبال مردم، شعر «امریکا آمریکا» را میخواند. بعد از رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در میان غریو - درود بر کمیته مرکزی حزب

دهها هزار نفر، مشت از خروار. این راهپیمایان جویباری از آن شط پزرگند، توده ای ها. رودی عظیم، که به اقیانوس خلق می ریزد. غرش همان است، موجی عظیم از اقیانوس!

سرکوب آمریکا، مرکز امپریالیسم، در گرو نگاه کنید رفقا! پیشانی صف را بنگرید. لحظه ای سرود خشنناک خویش را واگذارید. نیاز نیست دست ها را سبیلان چشم کنید. شگفت دنیایی است. برای سرما به عبرت آموز است:

ما در امور داخلی ایران محکوم می کنیم. در آغاز مراسم، پیام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران قرائت میشود. آنگاه سیلوش کسرانی، شاعر خلقی، در میان فریاد استقبال مردم، شعر «امریکا آمریکا» را میخواند. بعد از رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در میان غریو - درود بر کمیته مرکزی حزب

پشت تریبون می آید و سخن می گوید. متن سخنانش رفیق طبری را در این شماره میخوانید. سیلوش کسرانی شعر دیگری میخواند، باز دیگر سرود حزب نواخته میشود و جمعیت انبوه، در حالیکه بندهای سرود را تکرار میکنند، صف در صف خارج میشود تا به راهپیمایی بپردازد.

پیشاپیش صف، که با شعار: «گالی امریکالی تحریم باید گردد» صنایع وابسته ملی باید گردد به حرکت درمی آید، رفقای جوان، بیشکانه عمو سام را به بند کشیده اند و او را میبرند. درین گامهای لرزان عمو سام، صفهای طولانی با گامهای استوار در حرکت است و صدای یکصدت شمار

خیابان را می رازند: - جبهه متحد را کنیم با تا که پیرو شویم ما بر آمریکا صلح و پیروزی باشد زخلق ما لنگ و لغت به دشمن، به آمریکا بر شد اکنون ز ایران يك صدا مرگ را، مرگ را، مرگ بر آمریکا بر فراز سر جمعیت انبوه پلا- کاردهای رنگارنگ در حرکت است. ناپلوی بزرگی حرکت داده میشود که در آن عمو سام، به هیئت اختاپوس نرفت آوری، بر کشور- های جهان چنگ انداخته. در تصویر دیگری شاه خائن را چون شترسگی به صلیب کشید- اند. ناپلوی دیگری هست که در آن دست نیرومندی عمو سام را نشانه گرفته، با این دستوار... بالکی صورت را هم می...

مقابلانه جاسوسی می رسند، غروب شده است. در سایه روشن غروب، اینجا و آنجا، شمله ای تاریخی از سوختن مترسک های شاه مخلوع و آربابش روز را بازیگر داند و اینک این شعار آنتین: علیه امپریالیسم و آنگاه: - خمینی می رزید، امریکا می رزید

مقابلانه جاسوسی می رسند، غروب شده است. در سایه روشن غروب، اینجا و آنجا، شمله ای تاریخی از سوختن مترسک های شاه مخلوع و آربابش روز را بازیگر داند و اینک این شعار آنتین: علیه امپریالیسم و آنگاه: - خمینی می رزید، امریکا می رزید

مقابلانه جاسوسی می رسند، غروب شده است. در سایه روشن غروب، اینجا و آنجا، شمله ای تاریخی از سوختن مترسک های شاه مخلوع و آربابش روز را بازیگر داند و اینک این شعار آنتین: علیه امپریالیسم و آنگاه: - خمینی می رزید، امریکا می رزید

### پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز همبستگی جهانی با خلق قهرمان فلسطین

صفحه ۲

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا از هر باره آماده شویم





# متن سخنرانی رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زمین چمن دانشگاه پلی تکنیک

همگام رهبری انقلاب، بسوی استقلال ملی، عدالت اجتماعی و وحدت نیروها  
چهره درخشان حسین بن علی سده هاست که الهام بخش شیعیان است

## دوستان عزیز:

به همه خواهران و برادران گرامی که در اینجا حضور یافته اند، درود میفرستم. درود گرم به یاران و هواداران حزب توده ایران؛ درود به مسلمانان مبارز پیرو راه امام خمینی؛ درود به نیروهای صدیق چپ، که با هر خلق وفادارند؛ درود به همه حضار محترم، که اسرتعلق خاص سازمانی ندارند، دارای تعهد سیاسی و اخلاقی در قبال جامعه هستند و مصلحت جمع را بر محاسبات فردی ترجیح میبخشند.

## انقلابی بزرگتر از انقلاب اول

این روزها، روزهای شکرانی را میگذرانیم. در ایران بغول امام، باز انقلاب است. انقلابی بزرگتر از انقلاب اول. ابتکار دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، در اشغال لانه جاسوس آمریکا، در حمل سفارت این کشور، مطالبه بازگرداندن تبعه کبک شماره یک عصرما، محمد رضا پهلوی و بازتاب انتشار آسای آن در جهان، دنیا را واز آنجمله آمریکا را لرزاندند. این روزها برخی شماره های جرایدهای غربی و آمریکایی را، که این حوادث را متکس کرده اند، از نظر گذرانده ام. طنین این رویدادهای طوفانی، که شور و دشورها و دوستهای ایران میزند، در کشورهای اروپا و آمریکا بسیار قوی است. قوتی از آنچه که در دهه اول بنظر میرسد، بسیار قویتر است. برترن فرعون شیطان بزرگ - آمریکا فرود می آید، که تاریخی است.

مجله آمریکایی نیویورک، در شماره ۱۹ نوامبر ۱۹۷۹، آمریکا را یک «غول عاجز» خواند، که در مقابل جنبش مردم ایران چاره ای نمی یابد. مجله آمریکایی نیام در همین تاریخ می نویسد، که وقایع ایران ناتوانی کامل کفر را در چنان بر ملا ساخته است که نامزدی او را در انتخابات آینده بخطر انداخت.

بهبوده نیست که آقای هانسن، کانید ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه آمریکا، با اصرار کامل اسلوب دین نری، در آمریکا فرست را منتقد شمرده و بقول خودش بخرچ جب خود با ایران شتافته، که شاید از این نمذ کلاهی نصیب ایشان بشود. مجله فرانسوی نوول اسپروانور، در تاریخ ۱۸ نوامبر، می نویسد: «آمریکا بسیار دیر فهمید که آنچه در ایران رخ داده، نه یک شوخی است، نه یک کوفتا، بلکه یک انقلاب خلق است و در مقابل آن انقلاب (که همه حساب و کتابهای متداول دیپلماتیک را با یکبارگی میگذارد) آمریکا، این بزرگترین ابرقدرت جهان، بیچاره و بی سلاح است». پسرانی که در جاسوسخانه بر آمریکا کار می کنند، باید ضرابی را که در زمینه فرشی نفت به ارزشهای مملو شده جهان بر دلار وارد شده است نیز افزود. دلار در معرض زلزله های تازه قرار گرفته است.

امپریالیسم آمریکا سخت به تقلا افتاده است، از ما را در دنا کنایه خود مسدود میکند. دانشجویان ما را مورد ضرب و توجیه و تهدید می نماید، کشتیهای جنگی خود را بسوی آنها می کشد. کسبیل میبازد، چترها از ارتش سرخ الممل خود را در هم می ریزد، تهدید می کند که از تحویل مواد غذایی با خود خوری، در روز، تمام اینکرها عیب و از روی بیچارگی است، چوپیره شورمرد در روزگار - به آن کندکش نباید بکار.

آمریکا به همه این اعمال تهاکارانه دست میزند، ولی به یک کل منطقی حاضر نیست و آن اینکه دزد چپا پیکار مارا با همی بندد. محمد رضا پهلوی در بیارستان کلان در نیویورک، در بخشی که هر شب مسدود است تنها برای یک اطاق آنپرداخت میشود. فقط یک عمل ساده که صفر را از گردانده است. مطبوعات آمریکا سریع می نویسند که داستان سران غنفلداری فرعون سابق، مطلب جدیدی نیست و سایرین دراز است که شایع است این فرد دارای چنین بیماری است، ولی ما شاهد عکسهای رنگین او همراه سگش در ساحل دریای لائوردری مرکز هتیم و اظهارات اخیر فرج پهلوی به روزنامه عربی الدلمیاده، که کماکان زنان بسیاری این او (یعنی فرج) و شاه فاضله اند، بر ملا میسازد که سرطان لنفادی این فرعون سرنگون شده تا چند جلدی است و این عنصر فاجر کماکان به چه امور اشتغال دارد. پسر دین شاه از مرکز یک با آمریکا نتیجه هیچ ضرورت پزشکی خاصی نیوده، این مسلم است.

اینکرا مقدمه همیدان کنیدن میدود دیکتا تورو از گون شده برای توطئه های تازه ای بود. چرا آمریکا شاه را پس نمیدهد زیرا بقول مجله نوول اسپروانور، در شماره ای که یاد کرده ام، دهها سال است که آمریکا سرنهای این عروسک، این عروسک، این جانور را کشته و بکشد، اواز همه را بود هم عرصه کشور مارا با گستاخی تمام چاپیده است. ویکی از تنگن ترین وجهها و لگرنه ترین ماملات را، که معامله نفت اسلحه است و دوسره برای ایران شور میزند، بدست این موجود پرکتور ماتمحمل کرده است. آمریکا میترسد که بدینال کشتن تنگن دیم در ویتنام جنوبی، ملک فومل در عربستان سعودی، تروخیلو ددمارتی نیک و پارک جون هر در کره جنوبی، که همه از نوکران خود او بوده اند و همه این فقلها هم بدست دوسره انجام گرفته، تحویل دادن شاه با ایران دیگر از اعتماد دزد دستان، باستان و دلار در جهان باقی نگذارد و میمانی نبودن این طبل بلند با نیک و با طن هیچ، این غول برای کلین بیش از پیش علی شود. آمریکا نمیتواند غلامان تار خود و گماشته برگزیده امپریالیسم و صهیونیسم جهانی را بدادگاه خلق خروشنده و جوشنده ایران تحویل دهد. لذا جنبش ملی و کندی و پارادیکر با وقاحت ویژه خود از تعلق به حقوق بشر و دم میزند، اسد فوازی یک شکیبگر و



رفیق احسان طبری در حال سخنرانی

تهدیدات نه تنها جدی، بلکه حتی مینواست فاجعه انگیز باشد، ما در همین کشور دیدیم که توطئه گران «سیاه» چگونه حکومت ملی دکت محمد مسند را سرنگون ساختند و مدت ۲۵ سال یکی از زشت ترین و ظلمانی ترین ادوار تاریخ ایران را در این کشور بوجود آوردند.

ولی امروز قدرت صهیالیسم و کشورهای ضد امر - پالیسی، جنبشهای انقلابی و نهضت رهائی بخش از سوی و بیداری آفرین انگیز مردم ایران از سوی دیگر، پنجه های خونبار این ابلهس جبار ماروا اقیانوس را کوتاه و لرزان بیرون می آید. همین روزها ما پاسخ مطبوعات شوروی را به تحریکات وایژمان و دایان، سردمداران صهیولیت، که کاتری را به دخالت نظامی تشویق کردند، در روزنامه های ایران خوانده ایم، با اظهارات از گلالین، که از ایدئولوگهای برجسته شوروی است، در مورد انقلاب ایران و نقش امام خمینی آشنا شدیم. جهان، جهان دیگری است. زبانی که آمریکا میفهمد، زبان تناسب فوا، زبان نیرو است. این رسم همه زورگویان فرومایه است. مولوی می گوید:

هین شتو چون قد پیش طوطیان بله زهری شو، شو امین از زبان

## باید با امام خمینی در راه انقلاب همگامی کرد

حزب ما از همان آغاز گفت که باید با امام خمینی در راه انقلاب همگامی کرد. این امر تنها در تنها از این ناشی میشد که حزب ما شی سیاسی رهبر انقلاب را به درستی تشخیص داده و از انرا منطبق با منافع مردم یافته بود. خصیصه های مهم این شی عبارتست از جنبه ضد امپریالیستی آن، بدستگاری آن به منافع خلق زحمتکش یا مستضعفین، وقتی یک شی ملی و خلقی است، انقلابیون حق ندارند از آن شی حمایت نکنند، حق ندارند در تضعیف آن شی بکوشند و محتوی ملی و خلقی را نبینند و به برخی اشکال مختلف ظاهری آن توجه خود را معطوف و منتر کنند.

ما باید با شی ملی همگامی کنیم، یعنی همانطور که امام خمینی بیان میکنند، وحدت کلمه را در مسیر انقلاب حفظ نماییم. چرا؟ برای آنکه به سه هدف عمده انقلاب دست یابیم:

هدف اول استقلال سیاسی و اقتصادی و راهی از بند نواستعماری و شرکتهای چند ملیتی کشورهای امپریالیستی است. نیل باین هدف بسیار دشوار و روند آن طولانی است و برای پیروزی در این روند باید خود را برای فداکاری های گوناگون آماده ساخت و از نظام مصرفی و انگلستان، به سوی نظام تولیدی و آفرینندگی رفت.

هدف دوم نیل به عدالت اجتماعی، یعنی محو دروغداری فقر و ثروت و تامین حقوق حقه زحمتکشان شهر و ده است. این نیز مبارزه ایست بفرنج و طولانی، زیرا لازمه حل آن، حل مسائل مختلف در زمینه صنعت، کشاورزی، ملیونتر، حقوق ملی خلقها و حقوق طبقات زحمتکش، در زمینه نابرابری زنان و مردانست.

هدف سوم نیل بوحثت نیروهای ملی و دیکر انیک در یک جنبه واحد خلق، چیزی به یک برنامه واحد برای نو - سازی جامعه ایران از ایجاد دو کراسی نوین ملی است، که با لبرال آئی و پارلمان بازی بورژوازی غرب تفاوت کیفی دارد. آن نیروهای انقلابی و مشرقی، که به اهمیت این همگامی بی ایرده بودند و با تحلیل های تجربی و گامی بقیه در صله

نامه میفرستادند که حاضرند به خاطر امامت و پیشوائی او جانبازی کنند. ماویه در زندگی خود از دشواری کار خیر داشت. پسرش یزید، مردی هرزه گرد و شرابخوار و زن باه و بی تدبیر بود. بدستور ماویه، اومی بایست بهمض رسیدن به خلافت، حسین بن علی و عبدالله بن زبیر راه بیعت و اودار و اگر این دو از بیعت ننزدند، آنها را بی درنگ گردن بزنند، تا بعدها دچار خصمه نشود.

ولی حسین توانست از خطر بگریزد و بهمکه برود و بسوی به اجابت دعوت مکرر کوفیان به عراق عرب روی آورد. ولی سباه اعزامی عبیداله بن زیاد، فرماندار عراق (به دستور یزید) راه را با محسین در دست کره لاسد کرد و او هفتاد و دو تن از یاران وفادارش را به شهادت رساند و خدا نش راه اسارت بهمقش فرستاد. این شهادت سرشار از حماسه از سولی و قساوتها و ذلتهای مخالفان حسین از سولی دیگر، واقعه ای که نظیر در تاریخ دیده آورده است.

شکفت نیست که مردی چون حسین، که به پارسانی دلیری شهره واز راه فاطمه بنت محمد، نوه پینمبر اسلام بود، در سال ۶۳ هجرت نبوی چنین تنها و بی یار و بهانه، سر پا از درگشت پیغمبر اسلام، شتی جاهلین دون سفت، که قدرت امویان را با مطامع خود سازگار می یافتند، گرد ماویه را گرفته، سخن او هریره، که زمانی از صحابه رسول بود، در حق این طایفه صادق است. او میگفت: «الصلو خلفی انو بطلم ماویه اذ سوا لئلیوم الحرب اسلام». یعنی نماز تمام و کمال همان نمازی است که شما پشت سر علی می خوانید و پهلوی جریب چیل رانها بر سره ماویه میتوان خود و ارک سالتین جارا در روز جنگ خواهانید، به پشت تها پنهان به با الحق کشمار کامل هم فرست طبلیان و اعضاء

د حزب باه است، که در همه اعمار وجود داشته اند و متأسفانه آن امروز وجود دارند. در مقابل این اعدا، حسین بر آن بود که «ان الحیوة غفیده و چهاده». یعنی معنای زندگی در ایمان داشتن و در راه ایمان خود بیکار کردن است. وی در خطابه خود، روز عاشورا، در برابر لشکر یزیدین ماویه گفت: «میدانم جنگ برای من پنهان به حراب نماز و دعا است و من با همان میجان شوق بدان روی می آورم».

یزیدین ماویه، شکست فاشی نیاکن خود را در برابر فرزه بدده از یاد نبرده بود و همین جهت وقتی در بارگاش پزده از سر بریده حسین برگرفته، با شادمانی با نیک بر آورد، دلیت اشیاخی به بدید غفده و چهاده. یعنی نیاکن من در فرزه بدشاهه این منظره می بودند. همین جمله نشان میدهد که چه جنبه عینی در دل این طاغوت متفرعن اموی نیست به شخصیت انقلابی حسین وجود داشت.

امام خمینی از رموز و سنن مختلف تشیع در انقلاب ما استفاده کرده و از آنجمله «درم شهادت» را بر چسته ساخت و رسم نواستد «قیه» را تاروا شمرده است و بدینسان در دین، نفعتهای از جناباری و پایداری دیدیم، که همدر سرنگون سازی استبداد پهلوی مولی بوده و ما این روزها، در تیرد علیه شیطان بزرگه، امپریالیسم آمریکا، قادی است نقش مهمی داشته باشد.

آری، قبول شهادت در راه مردم، اوج صداقت انسانی در قبال حق و عدالت است. صاحب میگوید: می بایست هزار فدای خلق خود به سر کشید تا در مذاق خلق خود شویدی پس از این گر بزرور، به ناست امام محرم به سرهای کر بلا، اجازه دید به سخن اولیه خود بازگردیم. مطلب بر سر نبردم ما به امامت بیست دهمش امر یکست. تا چه حدی تهدیدات امپریالیسم علیه ما جدی است؟ بدون شک اگر فید جهان مانند ده سال پیش بود، این

مردم کشی شهادت، در مقابل خلقی مظلوم و شهید، «حقوق بشر» است. زهی تماریف دقیق حقوقی!

انقلاب ایران از رفتن دین پروتو از آنست که در قبال ایسن لاف و کز افهای امپریالیسم آمریکا از همیودن راسخ و سرخت راهی که آغاز کرده است، سر پا زنده. ایران در این نبرد چه چیزی جز تنبیر اسارت خود را از دست میدهد؟ از خوشبختیهای این انقلاب آنست که رهبری آن در دست مردی است مانند امام خمینی، که چاذبه سیاسی را با تقوی روحانی همراه دارد و در انتخابش تمام توجه به مشخصات و در عمل به تصمیم، قاطع و با کفایت است و با توجه به مشخصات عصر ما (یعنی عصر اول قدرت امپریالیسم) شرایط خوشتر را جازانه و صائب وارد میسازد. هم اکنون نام خمینی به نوازش مهر انگیز برای خلفها، بر شی خشمگین برای دشمنهای نکل و غارتگر نه تنها در مقیاس میهن ما، بلکه در مقیاس جهانی بدل شده است و می شود و در شیخردانو پسر و افتاده آمریکا، که چشمش برای دیدن واقعه عصر ما ناپهناست، بر حیثیت این نام می افزاید. بهبود نیست که روزنامه دلی اکسپرس، که از شنیدن نام خمینی گوش آزرده میشود، برای ناله های با اصطلاح لایق ایرانی، که توانند جرح حوادث را به عقب بازگردانند، آه می کشد.

توده های عظیمی که بدینال ایسن رهبر حرکت در آمدند، نه تنها از سنن انقلابی شی ایران بهره میگیرند، بلکه از چهره های روشن منخب اسلام و تشیع نیز الهام می پذیرند. در میان این چهره ها، این روزها بیست از حسین بن علی نام بر میزد، که بر داس قیام کر بلا، تا آخرین نفوس تا آخرین قطره خون خود علیه دشمنی قسی و کین نوزانه سلسله پلیداموی ایستاد.

بدین مناسبت اجازه می خواهم چند کلمه درباره حسین، این شهید جاوید تاریخ تشیع، که یاد کرد سوگ او و قهرمانی او در مبارزات حق طلبانه و استقلال طلبانه ما ایرانیان نقش مهمی داشت، سخن گویم. بویژه آنکه سنت یاد کرد از روز عاشورای حسین و بزرگداشت او بعد از امام حسین بن علی امام سوم شیعیان، از طرف حزب ما و در روزنامه هم در «سنت دین» نیست. حزب ما روزنامه ارگان مادر آن هنگام که غزای حسین تنها برای کره و آقی یسا کره نمائی بود، می نوشت که ساید نمونه جانبازی حسین علیه یزیدین ماویه بر سرق هر مسلمان قرار گیرد. سرق نبرد بی امان علیه ظلم و ستم را فریاد کرد.

خوشبختانه در انقلاب اخیر ایران، سنت حسین و عاشورای او نقش مثبت و سازنده انقلابی ایفا کرد و هم اکنون نیز این سنت، این یاد کرد، از حالت یک سوگوار عیب بیرون آمده، و بگفته امام خمینی، دلها را در راه و روشی شهادت جو یانه هماهنگ میکند.

مبارزه حسین بنا یزید، به نضاد عمیق دو جناح مردمی و اشرافی فریش یعنی خاندان بنی هاشم و آل سفیان بازمیگردد. اوسلطان سپاس از آنکه از لشکر مهاجران و اضرابه رهبری پیغمبر اسلام شکست خورد، و سالوسانه به اسلام ننزد داد، ولی کینه این جناح اشرافی فریش علیه جناح مردمی آنکه بنی هاشم باشند، کماکان باقی بود. این کینه پیغمبر اسلام مزیت و در نتیجه حیثیت عظیم و چیرگی ناپذیری، آتش بود در زهر خاکش. وقتی پیغمبر در گذشت این نضاد شلمور شد، پس از نقل علی، معاویه بن ابی سفیان میدان را برای تصرف مسیبت قدرت، خالی از زرقب یافت. در آن هنگام مسلمین بهو گروه یا نعله تشیع بودند. نعله فرشی بدینال حاکم دمشق، یعنی معاویه افتادند. نعله شرفی، که کوفه را مرکز خود قرار داد و غالباً از ایرانیان و اعراب شیشه خاندان رسالت بودند، با ستم علیه امویان از در مخالفت درآمدند. آنها دالما به حسین بن علی

با آنگاه به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم.